

عدلیه اظهار داشتند که مجلس از برای ترویج قانونی در عدلیه عجاله موجود است و مشغول اند که از روی ترتیب وزارت عدلیه سایر ممالک متمدنه درست میکنند ولی مطابق با قوانین شرع .

(میرزا احمد تبریزی اظهار داشت که این تمام نوشته شده است و گفته میشود که امورات از روی قانون خواهد شد از روی کدام قانون وزیر عدلیه قانون عدلیه همان قانون شرع است پس از این مذاکرات وزیر عدلیه اظهار داشت که من گفته ام آن قانون که سابق در عدلیه مجری بود و ده يك و ده نیم از صاحب حق گرفته میشود منسوخ دارند و فقط از صاحب حق ده نیم و از بی حق ده يك بگیرند غالب و کلا اظهار داشتند که این کار بسیار کار خوبی است و در این موقع رئیس اظهار داشتند که مذاکرات آنچه باید در باب این پروگرام شد و حالا این صورت نوشته شده است که و کلا رای بدهند) مجلس شورای ملی پروگرام هیئت وزراء را تصویب و اعتماد خود را نسبت بایشان اظهار نموده و در ضمن دقت ایشان را باین مسئله جلب می نماید که بودجه هیچ اداره را ولو اینکه موقتی یا سنواتی باشد نمی توان بموقع اجرا گذارد مگر اینکه بتصویب مجلس برسد) پس از این اظهار رئیس تمام و کلا رای دادند

رئیس - يك کمیسیون شش نفری وزیر مالیه خواسته است برای ورود نقره باید و کلا رای بدهند و این کمیسیون معین شود

وکیل الرعایا - این کار از وظیفه مجلس نیست و باید خود وزیر مالیه هر طور صلاح میدانند اقدام کند و مسئول مجلس است من بهیچ وجه رای نمیدهم که مجلس اقدام باین کار بکند (بعضی از و کلا اظهار داشتند که بر حسب قانون هر وقت وزیر تقاضای کمیسینی از مجلس کرد مجلس باید برای او معین کند و حالا هم باید معین بشود در این موقع و رفته رای منتشر شد با اکثریت آراء شش نفر ذیل معین شدند)

اسدالله خان ۲۴ رای - صدیق حضرت ۲۴ رای وکیل الرعایا ۲۲ رای متمد التجار ۲۰ رای وکیل التجار ۱۴ رای . ارباب کیخسرو ۱۲ رای بعد رئیس بیان کردند موضوع مذاکرات فردا اولاً قرائت امتیاز پلا شوئی کویر مرکزی ثانیاً لایحه وزارت مالیه در باب چاپار خانهای قدیم سمنان و دامغان ثالثاً انتخاب کمیسیون موقتی داخلی برای مذاکره مطالب راجعه بمناقشات بلدییه و مالیه و مذاکرات راجع باظهارات یاره از انجمن های ولایتی از قبیل بار فروش و ساری و دامغان و غیره و رسیدگی بلا یحه وزارت داخله و در خصوص افزودن یکعباسی بر چارک گرشه رابعا راپورت کمیسیون اعتبار نامها مجلس یکساعت و نیم از شب گذشته ختم شد .

جلسه ۱۴

مذاکرات یوم چهارشنبه

۲۴ ذی قعدة الحرام ۱۳۲۷

مجلس یکساعت و نیم بغروب مانده منتهی خلاصه مذاکرات جلسه قبل را معاضد الملك قرائت کردند .

رئیس - ملاحظه در این صورت خلاصه است .

قرئیت - آن « لفظ مذاکره شده » در صورت خلاصه زیاد است مذاکره نشد .

معاضد الملك - چرا آقای وکیل الرعایا اظهار داشتند امروز لازم نیست عده کمیسیون را تعیین کنیم .

مؤتمن الملك - مباحثه شد اما در باب اینکه بمجلس رجوع شود یا نشود خوب است در اینجا قید شود .

(ذکاء الملك لایحه وزیر علوم را با امتیاز پلا شوئی کویر مرکز قرائت کرد)

رئیس - خوب است بجهت استحضار آقایان ثانیاً قرائت شود .

میرزا مرتضی قلیخان - اگر بجهت مباحثه نتوانند میشود صحیح نیست بجهت اینکه دفعه اول که خوانده شد باید دقت شود و اصل موضوع و محل را باید و کلا تحقیق کنند آنوقت دفعه ثانی قرائت شود و مباحثه و مذاکره شود و الا اگر این دفعه ثانی باشد صحیح نیست .

رئیس - اولاً گویا تشریف نداشتید این چاپ ژلانتین شده است و در ۲۴ ساعت قبل بوکلا داده شده است و مطالعات خود را کرده اند و حالا هم در اینجا رای گرفته نمیشود فقط یکدفعه خوانده شده و دفعه دیگر خوانده میشود که بفهمیم از مذاکرات که بکمیسیون رجوع شود یا در همین جا مذاکره خواهد شد و اگر بکمیسیون رجوع خواهد شد فوراً يك کمیسینی موقتی با يك کمیسیون دیگر که امروز برای ضرب نقره یا مطلب دیگری تشکیل میشود بهمان کمیسیون داده شود یا خیر در همین جا مذاکره شود .

میرزا مرتضی قلیخان - بنده عقیده ام این است که در هر صورت بجهت اینکه هنوز بعضی درست مطلع نیستند و آنگاه هم که تازه وارد شده اند درست تحقیقات خودشان را بعمل نیاورده اند مذاکره ثانی باید یکقدری فرجه داشته باشد .

رئیس - اینکه ۲۴ ساعت قبل بوکلا داده شده برای این است که مطالعات خود را کرده باشند خلاصه (باید بکمیسیون رجوع شود یا در همین جا مباحثه میشود)

متمین السلطنه - در این که ۲۴ ساعت یا زودتر بوکلا داده شده بنده کار ندارم ولی برای اینکه ثانیاً خوانده شود بایستی رای داده شود .

رئیس - فقط باید معین شود که در کمیسیون باید این مطلب مذاکره شود یا آنکه در همین جا مطرح شود در این باب خوب است رای گرفته شود

مؤتمن الملك - گویا اشتباه شده است هم چه فهمیده اند که اگر بکمیسیون برود بمجلس نخواهد آمد مقصود این است که اولاً باید در کمیسیون مذاقه شود بعد بمجلس بیاید .

فاتح الملك - بنده عرض میکنم اگر بکمیسیون بیاید برود لازم نیست ثانیاً بمجلس بیاید .

منتصر السلطان - بنده عقیده ام اینست که در همین جا مذاکره شود .

اسدالله میرزا - وقتیکه لایحه از طرف وزیری پیشنهاد بمجلس میشود می باید مذاکره شود اگر فوریت آن را آنوزیر تصویب میکنند و

و کلا هم تصدیق میکنند فوری بودن آن را بدون اینکه مذاکره شود بکمیسیون میرود لکن در موردی که فوری بودن آن تصریح نشده اهمیت ندارد البته باید از و کلا رای گرفت و اگر اکثریت تصویب کرد که بکمیسیون برود علاوه بر این عقیده بنده این است که عقیده بعضی ها مختلف است که در کمیسیون مذاکره شود یا در اینجا بنده عرض میکنم چه در اینجا مذاکره شود چه در کمیسیون باید در موقع مذاکره جناب صنیع الدوله حاضر باشند .

رئیس - معلوم میشود بعضی ها مذاکره را در کمیسیون صلاح میدانند بعضی ها در اینجا پس باید رای گرفته شود .

میرزا مرتضی قلیخان - بنده عرض می کنم این قاعده کلیه است که هر مطلبی که بمجلس آمد اگر مجلس او را قابل مذاکره میدانند باید قهراً بکمیسیون برود بجهت اینکه در آن تحقیقاتی که در کمیسیون میشود ممکن نیست در مجلس بشود و هیچ منافاتی بین مذاکره در کمیسیون و مجلس نیست بلکه مذاکره کمیسیون مؤید میشود مذاکرات مجلس را و آن اشخاصیکه در کمیسیون تحقیقات کرده اند باید رای های خودشان را در مجلس بوکلا اظهار نمایند تا آن وقت با اکثریت رای گرفته شود بنده عقیده ام این است که بکمیسیون رجوع شود و زودتر علوم هم در آنجا حاضر باشد و مذاکره شود .

رئیس - هر کس رای دارد که اولاً این لایحه برود بکمیسیون قیام نماید (رای گرفته شد با اکثریت در رجوع بکمیسیون شد)

رئیس - پس باید در این باب يك کمیسیون منعقد شود و آن کمیسینی که برای ضرب نقره معین شده بود تا یکدرجه کار خود را تمام کرده و خلاصه آن امروز قرائت میشود اگر صلاح میدانند همان کمیسیون مشغول این کار شود یا میخواهید که کمیسیون دیگر تشکیل شود .

وزیرزاده - بنده عقیده ام این است که آن کمیسیون کافی است بهمان رجوع شود

رئیس - اگر همه آن کمیسیون را تصویب میکنند دست خود را بلند کنند .

حسنعلی خان - در این مواقع اغلب رای قیام و قعود گرفته میشود .

رئیس - همان دست بلند کردن را همیشه داریم (۲۷ رای در رجوع بکمیسیون نقره شد چون تساوی بود قرارداد کمیسیون دیگری تشکیل شود)

رئیس - لایحه ایست که در خصوص چاپارخانه سمنان و دامغان از وزارت مالیه رسیده قرائت میشود (ذکاء الملك لایحه وزارت مالیه را قرائت کرد)

وکیل الرعایا - آن چیزی را که در قسمت اولش نوشته شده صحیح تر است تا آنکه در قسمت ثانی نوشته شده که هیچ راجع بمجلس نیست و آن اصل قانون اساسی راجع باین نیست مشولیت آن با خود وزارت البته با کمال دقت بفروشد و آنجا که لازم است خیلی دقت کنند که چیزی در آنجا ملت کم نکنند .

میرزا مرتضی قلیخان - اولاً ملتفت نشدم چرا این از وزارت مالیه آمد در صورتی که وزارت فوائد عامه باید این کار را بکند و از او باید عنوان

بشود ثانیاً این راجع ببلدیه آن محل است باید در این باب تصویب کند و اگر بلدیه دائرنیست گمان میکنم که باید بتصویب انجمن آنجا باشد.

رئیس - این چایارخانه در صحرای است راجع ببلدیه نیست.

مرتضی قلیخان - داخل آبادی است ولی کاری نمی تواند برود.

فاتح الملک - در صورتیکه برای دولت صرفه داشته باشد یعنی علاوه بر آنکه چیزی میفروشند دیگر چیزی برای ساختن آنها نخواهند اضافه از دولت نخواهند و باطلاح مجلس باشد گمان میکنم که ضرر نداشته باشد.

وکیل الاعیال - حالا که گذشته است تا کید میکنیم درست کار کردن را که هر چه ممکن است سعی کنند که بقیه آخری آنها را بفرشند و در جای دیگر بسازند ما از روی درستکاری هم ممکن است پول پیدا کنیم هم بجا خرج کنیم.

وزیرزاده - من این لایحه را فقط بکاخطاری میدانم و تصویب وزارت بست و تصدیق وزارت مالیه را خیلی کافی میشوم.

مؤمن الملک - بلی اینکه گفته شد که این مسئله راجع بمجلس شورای ملی نیست فروش این مسئله جزو دخل دولت است و خرجش جزو خرج دولت در این صورت راجع بمجلس است دیگر اینکه باید وزارت مالیه صورتی بفرستد مخارج ساختن و قیمت فروش را معین کند که ما بتوانیم رای بدهیم **رئیس** - اساساً این مطلب تصدیق میشود الا اینکه جزئیاتش میماند.

اسدالله میرزا - اساساً باید يك سئوالی از وزارت مالیه بشود تا مجلس رای آخری را بدهد که در این موارد بعد ما حق خواهیم داشت این گونه معاملات را بکنیم یا خیر برای اینکه مسئله نظارتی پیدا خواهد کرد مهمتر از اینها که باید مجلس در آنها دقت نظر بنماید بنده گمان میکنم که باید چهسید بقانون اساسی و از روی آن بگذرد تخطی و تجاوز نکرده و مستثنا ننموده است و تصدیق میکنم رای آقای مؤتمن الملک را که باید جزئیات این کار معین شده و بکمسیون رفته و با رای کمسیون بمجلس بیاید تا مجلس از روی اطلاع رای بدهد

رئیس - جواب هم همین طور نوشته خواهد شد **کاشف** - اولاً باید بکمسیون برود اگر وظیفه مجلس است مذاکره شود والا رد شود.

رئیس - اگر وظیفه مجلس نمی بود هیئت رئیسه این را بمجلس نمی آوردند معلوم شد که رای مجلس این است که اینها فروخته شود و جای دیگر ساخته شود ولی جزئیاتش باطلاح مجلس باید برسد **سید محمد رضا** - از کجا معلوم شد که باید فروخته شود شاید وقتی که جزئیات این کار معلوم شود صلاح در فروختن نباشد.

رئیس - اولاً آنجا هم چه مهم نیست ثانیاً اگر دولت آنجا را بفرشند رفته رفته خراب می میشود پس بطور میشود گفت که صلاح نیست بفروش برسد.

مؤمن الملک - مقصود این است تا صورت جزئیات این را ندهند نمیتوان مذاکره کنیم **رئیس** - فقط میتوانیم اساساً همین قدر به

وزارت مالیه بنویسیم که شما مشغول ترتیب این کار باشید و اندازه فروش و خرج ساختن را معین کنید نه اینکه شروع بکار کنند بعد صورت بدهند اما این مسئله اشتباه نشود که آن چایارخانه ها چندین مهم نیستند مثل دوسه دکان خرابه است که در صحرای واقع شده و اگر فرضاً فروخته نشود خراب میشود بالانه حیوانات خواهد شد.

وکیل الاعیال - بنده با دانستن قانون اساسی هم چه فهمیده ام که این جز آنکه يك مالی حساب شود نیست که مجلس بکسر وقت خود را تلف کند بنده گمان میکنم بخود آنها واگذار شود و نظارتی هم اگر پیدا کند خود وزیر اقدام کند و در جزئیات کار دقت نکنند دقت رادر اساس کار بنمائید می بینیم برای این جزئیات وقت مجلس تلف میشود در صورت اینکه هیچ فایده و ضرری در اینجا نمیشود معین کرد.

اسدالله میرزا - می میگویند اساس و کلیات کلیات از جزئیات درست میشود ثانیاً نظارتی که برای این قسم کارها است خرابی ها بسر ما آورده است يك امروزی وزرای ما طرف اطمینان کاملند ممکن است که کابینه وزراء تغییر نماید و طرف اعتماد نباشد آنوقت بگویند که مجلس این حق را بما داده است که این چیزها را بفرشیم اگر چه مال دولت است باید بنهارت مجلس باشد از این عیوب پیدا میشود بعد نمی توانیم حفظ کنیم این است که باید جزئیات را ملتفت شد تا کلیات مستحکم گردد.

افتخار الواعظین - بنده بچشم خود دیده ام آن مکان را عبور و مرور از آنجا در کمال سختی است اساساً همین شکلی که فرمودند باید رجوع بوزراء بشود و از وزراء تحقیقات بخواهیم و وقت خودمان را تلف نکرده مجلس را باین جزئیات مشغول ننمائیم (ذکاها الملک راپورت کمسیون اعتبار نامه ها را قرائت کرد)

رئیس - موافق راپورت کمسیون اعتبار نامه ها اعتبار نامه جناب آقا شیخ ابراهیم زنجانی وکیل دولت آباد را پذیرفته است اگر مجلس باین رای موافقت دارد رای خود را بدست بلند کردن اظهار دارد (با کثرت رای گرفته شد) راپورت کمسیون مسکوکات را ذکاها الملک قرائت کرد.

رئیس - بگذریم دیگر برای اطلاع آقایان قرائت میشود (ثانیاً قرائت شد)

رئیس - این لایحه هم خوب است خوانده شود (لایحه وزارت مالیه خوانده شد)

حاجی شیخ علی - اولاً میخواهیم اثبات کنم که پارلمان حق دارد نبشود این حق را از او سلب کرد موافق اصل ۵۰ از قانون اساسی ضرب سکه باید با موافقت قانون باشد چون ما قانون نداریم مجلس باید قانونی برای ضرب سکه وضع کند.

تقی زاده - بنده میدانم که دادن امتیاز نقره چه بجناب چه بصدی دولت که خودش بیارود و سکه بکند یا نکند آن اهمیت را ندارد کدر وزارتخانهها تفسیر قانون اساسی میشود این مسئله خیلی اهمیت دارد این که میگویند و در آن لایحه می نویسند که مجلس در ضمن اصل راجع بامتیاز نامهها خود را ذیعق میدانست بنده میگویم در ضمن اصل راجع بمقاروله نامهها مجلس ذیعق است این قانون اساسی يك بلجایی

بود که برده مان اداره سابق زده بودیم و من می بینم که روز بروز یکی از آنها رامبگناریم مقابل آب شود رعایت قانون اساسی در هر موقع مقابل متمدیان نومی ضروری است بنده بدبختانه می بینم هر روز از طرف يك وزارتخانه يك ماده از مواد قانون اساسی انکار میشود علاوه برای کدر مجلس سابق عهد شده است هر نوع کترات اعم از این که طرف

داخله باشد یا خارجه مجلس شورای ملی در آن ذیعق است بعضی از آقایان میگویند اسم کترات در قانون اساسی نیست صحیح است ولی مقاروله نامه هست بستم عهدنامهها و مقاروله نامهها و غیره راجع بمجلس است مانده قانونی که در مقابل هر لفظ فرنگی يك لفظ فارسی معین داشته باشیم از این جهت میتواند هر وکیل لفظ مقاروله را يك معنی نماید مثلاً یکی بگوید (آن تاندرست) یکی میتواند بگوید (کتی توسیون) است لکن بنده میگویم که بدلیل عمل تفسیر شده است (به ...) بازیکتفر دیگر میتواند بگوید

کترات است بنده عرض میکنم سکوت مجلس حق مجلس و ملت راضی میکند بالاخره مجلس شورای ملی همین مطلب را مطرح بحث میکند که هر کتراتی یا خارجه یا داخله بمجلس باید بیاید یا نباید باید این را شرح بدهند تا بنده قانع شوم امروز هر وزارتخانه یا دولت متجدد و مجموعاً هر کتراتی را با خارجه و داخله هر نوعی بخواهند بکنند شاید مجلس هم همان رای را بدهد ولی این يك بحث علیحده است که باید حق و حده مجلس و وزراء معین شود اما این که آوردن نقره مضر است یا نیست و در صورت عدم ضرر دولت ضرب نماید یا تجار بجای خود بمانند در اینجا يك چیز انکار شده است که میگویند

در تمام دول ضرب سکه محدود نیست و بعضی میگویند محدود است در مالکی که ضرب سکه محدود نیست ضرب پر روی طلا است لکن نقره فلطاً باین محدود باشد مخصوصاً در دوره سابق در کابینه ناصر الملک که مقداری نقره بانك و غیره میخواستند مجلس رای نمیداد و محدود نمود و اگر محدود نباشد میدانم در میانه تجار اشخاصی هستند که طمع های زیاد دارند و آنوقت نمی توانیم بگوئیم که عاقبت خوبی داشته باشد اما در صورتیکه اصل ضرب تصویب شود باید دولت ضرب نماید و الا میدانم که محل اثرش تجار واقع میشود که میگویند هر کس يك تفاوتی داده یا يك واسطه داشت در منافع مملکتی مقدم واقع میشود و هر کدام کپی اینجا دارند و این گله را میکنند در پایان عرض خود را باز تکرار میکنم که باید وظیفه و حق مجلس محفوظ باشد و در دوره سابقه هر کس صیج بخانه يك وزیر وارد میشد و از او سئوالی میکرد که راجع بفسودش بود بگردن مجلس می انداخت و میگفت وظیفه مجلس است حالا بنکس شده تکالیف و حقوق مجلس را هم دارند میگیرند مثلاً در روز در اینجا اظهار میکنند در خصوص جلب مستشار از خارجه درباره مواجب آنها بمناسبت اینکه درجه بود چه مواجب او باید تصویب شود میگویند از وظیفه مجلس خارج است در صورتیکه استخدام از خارجه يك مسئله اساسی است و غیر از استخدام بکنند راست و مجلس باید در باب مواجب او رای خود را اظهار بدارد در هر حال باید این مطلب واضح شود و حق مجلس معین شود.

ابوالقاسم میرزا - میخواستم عرض کنم

و رود نقره و سکه زدن يك ضرر رکلی دارد که آن را وزارت مالیه فراموش کرده است و او این است که این ضرر رکلی برای عموم ملت و ثروت آنها است که از ثروت ملت فرادفرد کاسته میشود و باید ضررش را تصور کرد که برای ما چقدر بیش از فایده اش میباشد.

میرزا مهر قاضی قلیخان - بنده در این باب يك عقیده راستی دارم که هیچ تغییر نکرده و او این است که ورود نقره باین مملکت بهر اندازه که باشد بهمان اندازه از روح این مملکت کاسته میشود و دلیل بنده همان است که وزیر مالیه در لایحه شرح داده و ثابت کرده است که در آن وقته بهم خوردن مجلس آن شخص تاجر وقت را غنیمت دانست و هر قدر که توانست وارد کرد و محقق هر چه کیش ضرر دارد جزیش هم ضرر دارد و نمیتوان گفت این مسئله جزئی است و اگر فقط احتیاج را سند میدانید در اینجا عرض میکنم این خیلی شبیه است بکسی که در بیابان گرفتار شود و از شدت بی قوتی از خون خودش تغذیه نماید تا هلاک شود ما چطور میتوانیم مملکتمان را هلاک کنیم برای اینکه عاجلاً بگویم نقدی بدست ما بیاید گویا فراموش شده است که آن دهمه از آوردن نقره به ضررها وارد شده است این ضرری نیست که بیک نفر یا دو نفر یا بواسطه ثروت تجارنی باشد این ضرر بکسیکه روزی صد دینار و آن کسبیکه روزی هزار تومان صرف میکند وارد میآید تمام این اشیا بیکه از خارجه میآید و ماخذ رانمات میگیرند منات در دو سال قبل هفت هزار بود و امسال پنجهزار است پس باینجات نمیتوانیم آوردن نقره را تصدیق بنمائیم و اگر نباشد مجلس شورای ملی در این باب رای بدهد استعدا میکنم وضع کترات را طوری قرار ندهد که هر قدر نقره بیآورد و در ضرابخانه سکه کند این یکی از آن مسائلی بود که در کمسیون مالیه سابق مدتها مذاکره شد و ثابت شد که نقره که بیش میآوردند بقیه ارزان و بقیه گران میفرود خندند ضررش فوق ضرر سابق بود حالا اگر نباشد نقره بیآوردن ولی بقیه حالی هر چه قیمت آن باشد بضررابخانه بدهند و در ازای آن نیز وجه مسکوک بگیرند.

وکیل الاعیال - بنده لازم میدانم بعضی توضیحات بدم گویا آنهان خوب متوجه با آن عبارتی که از کمسیون بمجلس آمد نشده باشد فقط راجع بیک کترات نبوده بکوزیر مالیه داریم و امروز صلاح وقت را در این دیده است که مقداری نقره وارد کند و در ضراب خانه سکه نماید آنچه عرض میکنم راجع بماده قانون نیست راجع بعمل فروش است که روی کافد آمده است خوب است مطالب درست از هجداد شود این مسئله معین است که باید سکه بر روی طلا باشد اما باید احتیاج و ثروت امروزی مملکت را در نظر داشته باشیم که آیا ممکن است ضرب سکه را امروز بر طلا گذارد یا خیر همه میدانیم ممکن نیست حالا وزیر مالیه صلاح دیده است با مسئولیت خود مقدار چهار کرور نقره موقه برای رفع احتیاجات مملکت سکه نماید و شبیه است باینکه مثلا وزیر جنگ بخواهد برای مغزین چرم بخرند در این صورت آیا لازم است مجلس رای بدهد وزیر مالیه نباید در جزئیات از مجلس رای بخواهد باید خودش با کمال دقت اقدام کند و ما هر وقت بکفران بازار تومان کم کرده باشیم نقره در عوض طلا هم صرفه دولت است هم صرفه ملت باید از او سؤال کنیم که چه شده و بنده این مباحثات را

بکلی از وظیفه مجلس خارج می دانم کتراتی ابتدا درین نبوده فقط کمسیون رای داده است ضرب چهار کرور نقره را و اساسی از کترات نبرده بلاواسطه نظر کمسیون هم این بوده که بقیه امروزی وزیر مالیه در ظرف چهارماه سکه نماید با ملاحظاتی که کرده است که بعضی از آنها ممکن است در اینجا گفته شود و بعضیها را ممکن نیست از روی تمام ادله و احتیاجات امروزی رای باین داده شد که وزیر چهل کرور مقال نقره وارد کرده در ضرابخانه سکه کند و يك ده يك و نیم از برای دولت بماند اینک میگویند ورود نقره مضر است باید بگویند پارسال که حاجی محمد اسماعیل آقا ضرابخانه را قبضاً متصرف بود و در مدت ده ماه بیست و شش روز نقره سکه کرد الا آن پولها کجا است و این که آقای تقی زاده میگویند که دولت خودش مستقیماً وارد کند خیلی صحیح است و این کمسیون هم ملتفت بود و پیشنهاد بوزیر مالیه کرد و وزیر مالیه هم درصد شد که اگر بتواند وارد کند لکن این را باید دانست که بین خواستن و توانستن خیلی فرق است و بعضیها برخلاف هستند اگر بگویند کمسیون از روی چه دلیلی رای داده است عرض میکنم بعضی مطالب در اینجا عرض شد بعضی ممکن نیست عرض شود باید در جای دیگر گفته شود و بنده حاضر در کمسیون بمجلس غیر رسمی با دلایل منطقی ثابت کنم که کمسیون از روی چه میزان این رای را داده است و موافق صلاح مملکت بوده و در آخر عرض خود تصدیق میکنم تمام فرمایشات آقای تقی زاده را

صدیق حضرت - چون بنده یکی از اعضای آن کمسیون بودم که رای داده بودم تکلیف من این است دفاع کنم رای خودم را همان طوری که وکیل الاعیال گفتند اینجا عرض از کترات يك لفظ غلطی است همانطور که وزیر جنگ اگر بخواهد ماهوتی را که لازم دارد باید از هر کس که مقرر بصره است بخرد همانقسم وزیر مالیه اگر لازم بداند که در ایران نقره سکه شود میتواند که با شرایطی که به صرفه دولت باشد نقره وارد کند کترات یعنی کترات نقره برای خرید یا مال التجاره دیگری است و این که آقایان میگویند برات ترقی میکند و ضررش بیرونهای دهات هم میخورد در کمسیون مالیه در این باب خیلی تحقیقات بعمل آمده و نرخ بر و ات را از چند تجارت خانه خواستیم چه در آن ایام که نقره وارد میشد چه در ایامی که وارد نمیشد و بعد از آنکه دقت زیاد در اینجا شد معلوم شد که اساس برات در ایران اصلا دست دو بانك است بانك شاهنشاهی و روس که این دو بانك هر روز بخواهند برات را ترقی می دهند ولی يك چیزی اثر میکند در ترقی برات که معلوم شد میزان صادرات و واردات است یعنی ماخذ تجارت است و هر قدر بخارج زیاد برود و بقیه خوب بفروش برسد چون می بینیم که بایستی پول خارجه بایران وارد شود فوراً می بینیم برات ترقی میکند و عوض اینکه پنجهزار دهشاهی بدهند پنجهزار می دهند و ما اگر در این موقع همان شکلی که وزیر مالیه کرده بخواهیم اجازه ندهیم که نقره بیآورد و امروزه ما مجبور می شویم با مال التجاره بیآورند باطلا و امروزه چون ماخذ پول طلا نیست باز طلا حکم مال التجاره را دارد بنده وقتی که امروز می روم بازار لیره را بین تومان و در ریال می خرم و پنج تومان می فروشم این را پول نمیشود گفت در صورتیکه پول نقره یعنی آوردن نقره دو هزار امروز همیشه دوهزار است و رواج پیدا میکند پس صرفه ما در این است که اگر مانعی نداشته باشد آوردن نقره در عوض طلا هم صرفه دولت است هم صرفه ملت

و همان شکلی که گفتند در سه ماضیه دوازده کرور نقره ضرب شد بنده اطلاع دارم حالا در بازار اگر تاجری بخواهد دوهزار تومان یا سه هزار تومان پول سفید تهیه کند باید هر کیسه که دوست و پنجاه تومان است پنجهزار صرف بدهد (این از چه است) همه می دانند که این پول سفید بانك اندازه حمل بتر کستان میشود و تا اندازه حمل بهراق عرب میشود و در خود ایران نمی ماند و الا اگر ما حساب کنیم از اول تا بحال هر چه نقره آمده است در اینجا مانده باشد حالا بایستی مملکت ما یراز نقره باشد در صورتیکه چنین نیست و فقط از این عبور از خاک ایران صدی یا نوزده الی صدی بیست فایده آن در ایران میماند و اگر هم فرضاً بگوئیم این نقره از خارجه دو مرتبه بر گشته است بایران معلوم میشود این در عوض یکمتهای بایران بر میگردد این که میگویند خوب است دولت این تجارت را بکنند در صورتی است که دولت این مایه را داشته باشد امروز دولت ما اگر بخواهد قرض بکند برای این معامله از صدی دوازده الساعه بانك ها میخواهند این معامله را بکنند ملاحظه میکنم فقط صدی دوازده بانها نفع میرسد از این معامله که میکنند در صورتی که دولت بان ارزانی که تجار وارد میکنند نمیتواند وارد کند پس چه صرفه بحال دولت دارد که امروز برود صدی دوازده پول قرض بکند و نقره بخرد و بیآورد سکه کند و اینکه در قانون اساسی است که ضرب سکه راجع بمجلس است و باید قانوناً معین شود این راجع نیست باینکه آیا امروز چهار کرور سکه نقره کنیم یا دو کرور این راجع است باینکه قطر سکه و کلیه خواصی که سکه دارد باید بموجب قانون معین شود فقط چیزیکه امروز من میتوانم بگویم که مجلس حق دارد رای بدهد در مقدار سکه است که چهار کرور یا بیشتر سکه شود و ماخذ آن را بایستی از ملاحظه حوائج داخلی دانست که اگر چهار کرور سکه کنیم محتاج هستند یا خیر اگر محتاج هستند البته مجلس باید رای بدهد

اسدالله میرزا - عرض میکنم وقتی که لایحه از طرف وزیر میآید ممکن است دارای دو سه مبحث باشد اگر بخواهیم بمقصد برسیم باید تفکیک کنیم و یکی یکی مذاکره کنیم اینجایک مباحثه اساسی است بعضی امور راجع بخود وزیر مالیه است که بعضی از آقایان در ضمن نطق خودشان همین اظهار را کردند و يك قسمت دیگری راجع بمجلس است کترات و مقاروله نامهها در اینجا نوشته شده است که بدون تصویب مجلس چه با داخله چه با خارجه نباید تأسیس شود بنده عقیده ام این است اولاً این مسئله را که مذاکره کردیم و نتیجه اش این شد که با خود وزیر مالیه است تصبیح وقت شده و بماربطی مذاکره شود ترتیب کترات بتصویب مجلس بگذرد و مذاکره کنیم که اگر در کردن نقره در این موقع از برای مملکت منافعی دارد و مضاری دارد یا نه آنرا بر مضارش زیادتی دارد یا مضارش بر منافش آن اشخاصی که اینجا بیانات کافی کرده اند و در این راه تحقیقات نموده اند باید بیک نتیجه رسیده باشند و تقریباً بنده از تحقیقاتی که کرده ام موافق صورتی که وزیر مالیه داده اند چندان ضرری از این کار نمی بینم ولی وقتیکه بسنجیم صدی ده الی نوزده

الی بیست از او فایده میبریم و بعد بعنوان مال التجاره تقریباً از این خاک بیرون میروند و از این راه يك میلی فایده متوجه دولت میشود بنده عقیده ام این است که این مسئله منافعش بیش از مضارش هست و این ترتیبی که امروز وزیر مالیه تصویب کرده است باید با او همراهی کرد ولی در مسئله کتکرات خوب است واقعا همین شود این مسئله راجع بمجلس است یا نیست بجهت اینکه الان اینجا عقاید و افکار مختلف است.

حاجی شیخعلی - بنده بر ضرورت نقره هشتم و رایورت کمیسیون هم ثابت کرده است که تا ضرب سکه بر طلا نباشد ثروت مملکت زیاد نخواهد شد و اگر اجازه بدهیم ضرب سکه را بر نقره بگذارند این ضرری است که بر ضرب سکه بر روی طلا وارد میآید و باین جهت ما هر چه نقره سکه کنیم از آن خیال که در سر داریم که اساس سکه خود را بر طلا بگذاریم عقب خواهیم افتاد و بالطبع آن اساسی که ما در نظر داریم پیشرفت نخواهد کرد و بالعکس هر چه از ضرب نقره استک شود آن خیال پیشرفت خواهد کرد.

تقی زاده - اگر بعضی از آقایان همچو فهمیده اند که من مخالف ضرب نقره هشتم سهو کرده اند و اگر دیگری هم خیال کند داخل کتکرات است و لفظ کتکرات در قانون اساسی نیست باینجهت نباید بمجلس بیاید سهو کرده است آنچه در خصوص ضرب سکه در قانون اساسی نیست همان است که جناب صدیق حضرت گفتند ضرب سکه باید با موافقت قانون باشد یعنی قطرش مثلا يك میلی مترو و بزرگی و کوچکیش و یا متقالش فلان مقدار باید باشد لکن بنده عرض میکنم که حد نقره باید محدود باشد اینجا يك اختلاف جزئی که شده راهش اینست که ضرب سکه بموجب قانون آزاد است و چون در این جا ضرب سکه بر روی نقره است و رایج شده باید مثل سایر نقاط آزاد باشد و اگر آزاد نباشد مخالف قانون اساسی میشود بنده در اصل نقره حرفی ندارم لکن میگویم وقتیکه راجع بمجلس شد يك اندازه محدود خواهد ماند اما اینکه مثل ماهوت و چرم وزیر جنک باشد تصدیق ندارم و بنده در دوره سابقه در کمیسیون مالیه از اول تا آخر مشغول بودم و در این خصوص مذاقه ها کردم و خودم با کمال دقت دینار را در حساب کرده ام و اطلاعات زیاد دارم و مع ذلك نمیگویم علم دارم این از مسئله مشکله غامضه است خوبست علمای علم (فیئانس) که جمع شده اند زود رای ندهند عجاله آنچه محقق شده است از روی تجربه ها و از روی احتیاج بازار و شکستن تجارتهای همانطور که فقدان سکه در امریکا سبب شکست صرافها و تجار شد و ملاحظاتی دیگر که بعضی در اینجا شرح داده شده است و نمیخواهم تکرار کنم اجازه میدهد ضرب یکمقدار نقره را تا پنج شش کرور رایج هم مضرنهیدانم و این صحبت هم در سابق تایک درجه قطع شده بود که سالی یکمقداری ضرب شود

با اینکه این را میدانم که نقره خالص از خارج وارد میشود و باز علاوه میشود و همان نقره در افغانستان و ترکستان میورد و در افغانستان همین مسکوک ذوب میشود و سکه میکنند ولی بازم تکرار میکنم که در اصل قانون اساسی نوشته شده است که باید بموجب قانون

باشد و هر گاه تصویب بمجلس یا امضای شاه یا نایب السلطنه لازم است برای این است که همیشه این حدود را برای خودمان محدود بداریم که حد نقره را حفظ کنیم که اگر بخواهیم این ترتیب را از دست بدهیم اولاً چنانکه عرض شد طمع های کلی بجوش می آید و ثانیاً تکرار میکنم که امروز ضرب نقره فوائد کلی دارد و بنده با عقیده جناب صدیق حضرت شریک هستم تماماً از روی علم و اطلاع است لکن در این که محدود نباشد موافق نیستم بموجب حسابی که بنده کرده ام چون ما امروز هر يك مقالی که بواسطه بار در ضرابخانه ضرب میشود فوائد کلی دارد این است که خیال میکنیم دولت يك مقدار پول از هر کجا که بدست می آید آنرا در مدتی که در ضرابخانه میتواند ضرب کند سکه کند و حالا بنده نمیخواهم حساب ابراهیم کنم که چند درصد صرف میکنند ولی در کمیسیون ثابت میکنم.

میرزا مرتضی قلیخان - بنده مجدداً با کمال قوت قلب عرض میکنم که ورود نقره در این مملکت با خروج روح مملکت یکی است و اگر هزار دلیل اقامه شود عقیده ام این است که هزار فایده اگر از طرفی تصور کنند دوهزار ضرر از طرف دیگر وارد میشود و خیلی تعجب میکنم که ورود نقره را مطابق میکنند با چرم همدانی که وزیر جنک میگرد و در اینجا از شخص سلطان تا ادنی رعیت ضرر میکنند و این چطور میشود که ما در این باب صدیق میکنیم و اگر کسی گفتگویی دارد حاضریم که در يك کمیونی ثابت کنیم.

منتصر السلطان - عرض بنده که در دو اصل قانون اساسی است که عیناً میخوانم که مسبوق بشوید اصل (۲۳) بدون تصویب مجلس شورای ملی تشکیل کمیونی از طرف دولت اجازه داده نخواهد شد اصل (۲۴) بستن عهدنامه ها و مقاوله نامه ها و امتیازات و انحصار تجارتنی و صنعتی و فلاحتی از داخله یا خارجه و غیره اعم از اینکه طرف داخله یا خارجه باشد بتصویب مجلس شورای ملی خواهد بود یا استثنای ماهه نامهایی که استتار آن ها صلاح دولت و ملت باشد عرض بنده این است که در هر صورت به بینیم آیا وزیر حق دارد که اینها را بمجلس بفرستد و مجلس میتواند مطرح مذاکره نماید یا خیر ؟

رئیس - این که آورده شد معلوم میشود از وظیفه مجلس است و باید بمجلس بیاید.

فاتح الملک - بنده عرض میکنم که می بینم آقایان دوطرف واقع شده اند بعضی میگویند اگر نقره وارد کنند از برای حال مملکت نافع است و بعضی ها میگویند مضار است و این چیزی نیست که ما بگوئیم صحیح است یا ضرر همه ما نمیتوانیم بگوئیم اطلاع داریم و علم داریم این کار مسئله مهمی است و باین طریق نمیتوان حل و عقد این مسئله را کرد بهتر این است که آقایان دو قسمت بشوند يك هیئتی بنشینند در يك مجلس و چند نفر از تجار محترم را که بفرضند خبر کنند آنها هم بیایند و بنشینند ضرورتش را معلوم کنند تا از آن قرار رفتار شود.

ابوالقاسم میرزا - بنده رای خودم را در این باب دارم.

وکیل الرعایا - بنده چیزی که میدانم در اینجا این است که آن قسمتی که از کمیسیون بمجلس آمده

است فقط اگر مجلس مملکت خودش را با آنها اطلاعانی که دارد محتاج میدانند باین که چهل کرور مثقال نقره ضرب کند قیمتش را هم هیچ آنجا متوجه نیست در این خصوص باید رای بدهد که چهل کرور مثقال نقره در این پایتخت سکه شود اما آن چیزیکه اعتراض میشود باو که مثل زده و بچرم وزیر جنک باز هم مکرر میکنم چون این داخل کتکرات نیست مثل این است که نقره میخرد سکه میکند بهماش هم پس میدهد این همان حالت را دارد که چرم خریدن وزیر جنک آن حالت را دارد و این قانون اساسی هم ضرر نمیخورد لکن از آن جایی که بزرگتر مطلبی که از وظایف مجلس شورای ملی است احاطه داشتن بامور مالیه مملکت است و این هم یکی از امور مالیه است یعنی یکی از هادئاتش است مجلس شورای ملی لازم است البته هر کتکراتی که میشود بدون امضا او تاسیس نشود اما آن شکلی که حالیه از کمیسیون بمجلس پیشنهاد شده با آن عباراتی که وزیر آنجا نوشته است اینها با هم دیگر دو تا است آنکه مجلس امروز باید رای بدهد آن چیزیکه که از کمیسیون رای داده شده که چهار کرور تومان که چهل کرور مثقال نقره بانظوری که التزم داده است بانقدار و اندازه که ممکن است و شاید تا نوزده شاهی شود و ما تا ۱۹ شاهی هم راضی نشدیم و حساب کردیم ۹۰۷ دینار وارد میشود صحیح است که علم در مدرسه است ولی ممکن است که کسی هیچ علمی نداشته باشد ولی ۲۲ سال در این مسئله بخصوص تحصیلاتی کرده باشد که اطلاع او از مجتهدین آن فن بیشتر باشد بدلائلی که طرف مقابل من قانع شود که این مقدار نقره آوردنش وسکه گردش ضرر ندارد.

معین الرعایا - بنده میخواهم عرض کنم این ترقی و منزل نقره بسته بآمدن مال التجاره خارجه است و هر قدر که مال التجاره در مملکت وارد شود همان قدر نقره ترقی خواهد کرد و در واقع این نقره بمنزله جنسی است هر قدر برای ما زیاد تر وارد شود قیمت آن بهتر ترقی خواهد کرد چنانچه آنها گفتند آن کمیسیون که تشکیل شده است دو نفر از ما آنجا یکدفعه بنشینیم و اطلاعات خود را اظهار کنیم.

صدیق حضرت - رای بنده معلوم است که در آوردن نقره است ولی اینجا آقای تقی زاده چیزی فرمودند دانستم این مطلبی را که وکیل الرعایا گفتند درست توضیح کنم تصور نکنید که عرض بنده این است که وزیر مالیه مجبور است مقالی بکفران نقره را بدهد باینکه امروز حساب کردیم که اگر بتجار داخل خودمان این کتکرات داده شود امروز در فرنگ نقره از همه اوقات ارزانتر است

در فرنگ که نقره ۲۳ پانس است منتهی نازل نقره ۲۲ پانس است این کمیونی که بنده نوشته است و فکر کرده است و رای داده است این ملاحظه را کرده است پس نازل نقره يك پانس خواهد بود و اگر ترقی بکند نه یاده پانس ترقی خواهد کرد پس باید این ملاحظه را کرد که امروز نقره در چند خرد می شود و گمرک برمی دارد صدی دوازده در مدت چهار ماه منظور خواهد داشت و در چهار ماه ۱۹ شاهی حساب

می رسد پس کلیه نقره راه این است که در یکقران خواهند قیمت بست و اینهم که همین شد که در چهار ماه يك میلی سکه شود چیزی است که بایستی مجلس در آن توجه کند و او اینست که دست دولت در سکه تایک اندازه باز باشد و اینکه دیروز در اینجا مباحثه شد و تایک اندازه رای دادیم بوزرای خودمان که داخل مذاکرات بشوند برای استقراض امروز تحمل صرفه در این باشد که عرض اینک برات بخرد و بیاورد نقره بخواهد و در اینجا سکه کند و البته صرفه دولت هم خواهد بود و وقتی که دولت مجبور شد که از آنجا نقره بیاورد وسکه کند باید برای فروش اقلا يك سهمی داشته باشد و تا کتون بانک شاهنشاهی همین طور مذاکرات میکنند که الان که يك کرور پول می خواهد يك کرور اجباری يك کرور اختیاری این را هم لازم می دانم که وزیر مالیه مجبور کند که اگر بانک نخواست بتجار داخله خودمان داده شود

آرباب کیخسرو - غالب مطالب بنده را آقای صدیق حضرت فرمودند در صورتیکه مملکت محتاج يك سکه رایج است دیگر نمیشود این کمیونی که نوشته است و فکر کرده است و رای داده است و میزان آنرا منوط با احتیاج مملکت کرده است رد کرد و اشخاصی که تجارت میکنند و نقره می آورند و در حقیقت ضرر این تجارت ببرات وارد می آید.

حاجی سید نصر الله - گمان میکنم که رایورت کمیسیون کافی نبود اگر تجزیه شود مطلب در قسم منقسم میشود یکی ضرب سکه و یکی هم مسئله امتیاز است که در وقت قبول بمجلس است یکی راجع است باینکه باین ترتیب که وارد میشود سود دارد باین طرفین مباحثه بکند دلیل صحیحی هم ندانند آنظوری که آقای میرزا مرتضی قلیخان میگویند يك دلیل صحیحی هم بیان نکردند اما عقاید بنده این است که يك مذاکره در کمیسیون لازم است از آقایانی که داوطلب هستند برای این مباحثه که یکی آقای تقی زاده است تا نتیجه آراء خوب روشن شود.

معین السلطنه - بنده تأکید میکنم فرمایش آقای حاجی سید نصر الله را و میگویم ترتیب صحبت امروز بر خلاف ترتیب است زیرا که اذهان و کلا مسبوق و مطلب خیلی غامض است بنده تصور می کنم این کار نمیشود مگر از فرط اطلاع آنهاست که چهار پنج سال در این کار زحمت کشیده اند تصور میکنم این مطلب مطلبی نیست که در ظرف دوساعت تمام شود خوب است در اینجا این جلسه و جلسه آینده مذاکره شود تا حل شود

شیبانی - در این که نقره جنسی است و در زیاد او ضرر است حرفی نیست ولی در رد قبول اینکه سکه بشود یا نشود نمیتوانم صحیحاً رای بدهم زیرا که نفع و ضررش را کاملاً اطلاع ندارم اما در این که نقره جنسی است مسلم است و اینکه جنسی وقتی زیاد شد برای افراد مردم ضرر است مجلس نیست پس لازم است که دقت کاملی بشود اگر مجلس لزوم است سکه بشود ولی باندازه و این ممکن نیست مگر همانطوریکه آقایان فرمودند که در کمیونی بنشینند و اگر چنانچه از خارج هم داخل کنند که دقت کامل بشود و از روی صحت اطلاع اجازه داده شود اسپاب خیلی امیدواری خواهد بود

وزیر زاده - بنده عرض میکنم خیلی فرق است بین اضطرار و اختیار از لایحه وزیر مالیه طوری

استنباط میکنم که وزیر مالیه مجبور است و این مذاکرات منافی است خوب است که در يك مجلس خود وزیر مالیه بیاید و توضیحات بدهد آنهم در مجلس باشد نه در کمیسیون

تقی زاده - بنده این طور که تجزیه کردم عرض بنده در این نیست که کتکرات موافق اصل ۳۵ از قانون اساسی باشد عرض این بود که مسئله نقره باید در مجلس حل شود که آیا اجازه داده شود یا نشود و بوجه اندازه دارد کنند مجلس باید منافع را در نظر بگیرد نه آنطور که وزیر مالیه در نظر گرفته است که منافع آن بدولت برسد حساب مختصری که الان بنده اینجا نوشته ام ۲۴ پانس يك لیره انگلیسی است بنده ۲۴ ربه می گیرم يك لیره هم پنج تومان و چهار هزار است و مخارج حمل نقره تا تهران صدی ۱۲ یا ۱۳ را هم زیادی می گیریم درجه آخر با این موازین نهصد دینار در تهران وارد خواهد شد و در یکقران صدی هشت منفعت میکند و در صورتیکه در سال سه دفعه تکرار شود صدی ۲۴ هزار دولت نفع میبرد اگر این بتجار داده شود يك عیب دیگری پیدا میشود و آن این است که يك حس رقابتی بین ایشان پیدا می شود و آنوقت میزنند اینجا و از ولایات بوکلای خودشان استغاثه میکنند که شما آنجا نشسته اید چه میکنید و هر کس بسرچشمه نزدیکتر است منافع را میخواهد خودش ببرد تجار تهران در هر امتیاز همیشه خودشان را پیش می اندازند تمام تجار ایران باید متساوی باشند پس باید دولت تمام ایران اعلان بکند که هر کس بیشتر بر میدارد او اسبق است

لسان الحکماء - بنده میخواستم عرض کنم در خصوص نظامنامه ولی دیدم تجربه و احتیاط مارا مجبور کرد قانونی که در قرن بیستم دول متمدنه آنرا مجری می دارند مجری کنیم و آن این است که هر مطلبی یا لوایح قانونی که وارد مجلس می شود اول در کمیسیون وارد میشود پس از مذاقه با ادله و براهین هر چه باشد ۲۴ ساعت قبل از مذاکره طبع و توزیع میشود تا اذهان و کلا مسبوق باشد و در موقع مذاکره در صحت و عدم صحت از روی اطلاع رای خودشان اظهار کنند

رئیس - اما اینجا يك ضرورتی داعی بود که آن کمیسیون تشکیل شد و از حسن اتفاق اشخاصی که آن کمیسیون را ترتیب دادند اشخاص با کفایت بودند این که بعضی از آقایان خیال می کنند چطور کمیسیون باین زودی کار خودش را تمام کرده است

بجهت این است که اعضای آن کسانی بوده اند که ممارست در این کار داشتند فعلاً آقای تقی زاده و آقای صدیق حضرت و وکیل الرعایا و وکیل التجار که حاضرند و در کمیسیون مالیه مشغول این کار بودند و هم بصیرت در این کار دارند و از روی بصیرت رایورت خودشان را نوشته اند و حالا اینکه بعضی از آقایان بعضی مذاکرات کردند که دولت خودش متحمل این کار باشد این خودش يك مبعث جدیدی است و باید رجوع شود بآن کمیسیون که فردا ساعتی را خودشان معین بکنند و آقایانی که نظریاتی در این باب دارند تشریف ببرند و در آن کمیسیون نظریات خودشان را اظهار دارند تا بعد يك رایورت صحیحی بدهند که در جلسه دیگر رای داده شود حالا موقه دو کمیسیون لازم است یکی کمیسیون مالیه و یکی

رئیس - آقایان اعضای کمیسیون باید فردا تشریف بیاورند و رئیس و منشی خودشان را معین کنند و اگر لازم است بوزیر مالیه هم اظهار شود تشریف بیاورند مذاکرات بشود (پس از انقضای مجلس ثانیاً بتوسط زنك و کلاز احضار نمودند).

رئیس - نظامنامه داخلی مجلس تمام شده است با آقایان و کلا داده میشود هر کس توضیح در مواد میخواهد با آقای موتین الملک اظهار کند که روز شنبه ایشان حاضرند برای دادن توضیح (مجلس یک ساعت و ربع از شب پنجشنبه ختم شد)

کمیسیون برای بودجه های موقتی و مخارج فوق العاده ضروری دیروز در اینجا قید شد که مخارج بودجه های موقتی باید بتصویب مجلس باشد و هم چنین برای مخارج فوق العاده وزیر مالیه يك کمیسیون خواسته است چون آن کمیسیون حالا چند روز است منحل شده است غیر از این دوسه فقره که در کمیسیون سابق اصلاح شده و قبول شده است و یکی هم کمیسیون موقتی داخله برای نوشتجاتی که وارد مجلس شورای ملی شده است راجع بمنافذاتی که از ولایات ما بین بلدییه و وزارت مالیه واقع شده دیگر برای رسیدگی باظهارات انجمن های ولایتی از قبیل انجمن بازرش و ساری و سمنان و دامغان و همچنین برای مذاکره لایحه وزارت داخله برای اضافه کردن چار کی یکمبایس بر گوشت برای اوله کشیدن مجرای آنها که در این کمیسیون موقتی که تشکیل میشود مذاکره شود و کلا در روز شنبه حاضر خواهند شد زیرا که نظامنامه داخلی را که اعضای کمیسیون و همه داده اند برای روز شنبه حاضر خواهند شد و يك نظامنامه است مفصل و باید چند دفعه خوانده شود و گمان میکنم چند روز وقت مجلس را معطل کند تا آن چند روز این دوسه فقره را که عرض کردم نمیشود معطل کرد خصوصاً کمیسیون موقتی را که وزارت مالیه خواسته است و بر آن کمیسیون مالیه هشت نفر کافی است برای این که مطالبی که وارد آن کمیسیون میشود اهمیت دارد و از برای کمیسیون موقتی داخله شش نفر لازم است.

حسنعلیخان - بنده میخواستم تذکره کنم که چند روز قبل که از طرف هیئت رئیسه اخطار شد که کمیسونی باید تشکیل بدهند گمان میکنم بعد از آنی که نظامنامه داخلی تمام شد این کمیسیونها تشکیل شود زیرا که اگر این کمیسیون ها معین شود بعد از اتمام نظامنامه مجبور خواهیم بود که در مرتبه این کمیسیونها را هم زده تجدید انتخاب کنیم.

رئیس - خیر این که گفته شد برای این است که این کمیسیونها در این موقع بسیار لازم است این که میگویند از روی نظامنامه جدید اولاً هنوز نظامنامه سابق نسخ نشده است و دیگر آنکه خود سرکار میدانند که آن نظامنامه بسیار مفصل است و طول خواهد کشید و این ها فعلاً لازم است البته بعد از آنکه نظامنامه جدید تمام شد بطرز جدید ثانیاً کمیسیونها موافق آن نظامنامه تشکیل خواهد شد (در این موقع ورقه رای برای انتخاب هشت نفر اعضای کمیسیون موقتی مالیه توزیع و اخذ رای شد صدیق حضرت (۵۳) رای موتین الملک (۳۲) رای میرزا اسدالله خان (۲۵) رای متمدن التجار (۲۰) رای تقی زاده (۱۸) رای وکیل الرعایا (۱۸) رای میرزا مرتضی قلیخان (۱۶) رای معین الرعایا (۱۵) رای .

رئیس - آقایان اعضای کمیسیون باید فردا تشریف بیاورند و رئیس و منشی خودشان را معین کنند و اگر لازم است بوزیر مالیه هم اظهار شود تشریف بیاورند مذاکرات بشود (پس از انقضای مجلس ثانیاً بتوسط زنك و کلاز احضار نمودند).

رئیس - نظامنامه داخلی مجلس تمام شده است با آقایان و کلا داده میشود هر کس توضیح در مواد میخواهد با آقای موتین الملک اظهار کند که روز شنبه ایشان حاضرند برای دادن توضیح (مجلس یک ساعت و ربع از شب پنجشنبه ختم شد)